

بسم الله الرحمن الرحيم

خارج فقه دوشنبه ۲۸ آبان ماه ۱۳۸۶ شمسی استاد اراکی دامت برکاته قم جلسه چهاردهم

طلبه: جلسه قبل شما فرمودید الامام بدل از سبعة می تواند باشد قرینه به خلاف داریم

شاهدان آمده مرفوع است در عبارت نه شاهدین؟

استاد: گاهی بدل تبدیل به تقدیر اعنی ، هما یا هی می شود یعنی قطع می شود با تقدیر

کلمه ای

طلبه: قرینه سیاق داریم برای درس دیروز که اگر امام را شرط بدانیم باید شاهدان مدعا و

بقیه راهم شرط بدانیم

استاد: ظهور روایت در مثالیت است امام و غیر امام به عنوان مثال است اگر افزون این

مطلب دارید بیان کنید والا مثالیت دارد نه ظهور در شرطیت

طلبه: در کتابی از مرحوم مجلسی این را حکمت گفته بود بعضی جاها ۷ نفر بعضی ۵ نفر

دارد این حکمت اجتماع را می خواهد نشان می دهد چون هر اجتماعی امامی باید داشته

باشد نزاعی می شود مدعی و شاهد دارد چرا نماز جمعه باید هفت نفر باشد چون از اجتماع

گرفته شده چون نوعاً کسی که تعزیر بشود یا نائب امام به شود کم است

استاد: ظهور دارد هر جائی که جامعه ای وجود دارد حداقل اجتماع وجود این ارکان است

اجتماع صدق کند

طلبه: روایاتی دیگر هم هست که تصریح دارد وجود امام شرط نیست تعارض به وجود می آید اگر مساله مثالیت را قبول نکنند با بیانی که این روایت، روایت مشهور اهل سنت است اگر تعارض باشد خودش مرجح باشد چون موافق عامه است در تعارض کنار گذاشته شود و روایاتی که حضور معصوم را شرط نمی دانند

استاد: اگر چه گفتیم رأی ارجح آن است بین عامه شرط نمی دانند ولی رای دوم عامه هم رای سنگینی است و نسبتاً مشهور بنابراین مخالفت عامه صدق نمی کند شهرت مرجح شهرت عند الاصحاب است شهرت در اصحاب می تواند مرجح باشد این جا شهرت است نه شهرت

طلبه: این روایت بین عامه خیلی مشهور است
استاد: آن چه از مضعفات است مخالفت عامه یا شهرت عامه است والا شهرت نقل مرجح نیست

طلبه: اگر سیاق قبول شود دیگر تعارضی نیست
استاد: اگر اصرار بر موضوعیت باشد نه مثالیت تعارض می شود
عرض شد دلیل چهارمی که بر شرطیت حضور امام یا من نصبه آورده شد در وجوب تعیینی و عدم وجوب تعیینی صلاة الجمعة دلیلی است که آقای خوئی آورده اند که استدلال کرده اند به که احادیثی متضمن عدم وجوب صلاة الجمعة بر کسی که زندگی می کند در منطقه ای که فاصله از نماز جمعه بیش از دو فرسخ است مثل صحیح زراره که خواندیم انما فرض الله عز و جل على الناس من الجمعة الى الجمعة خمسا و ثلاثين صلاةً منهم صلاة واحدة فرضه الله عزوجل في جماعه وهي الجمعة و وضعها عن تسعة)

این نماز واجب نیست بر نه نفر یا نه طائفه (عن الصغیر و الکبیر و المجنون و المسافر و العبد و المرأة و المریض و الاعمی و من کان علی راس الفرسخین ، که منظور از من کان علی راس الفرسخین یعنی کسی که بیش از دو فرسخ فاصله داشته باشد تا محل نماز جمعه روایت صحیح محمد بن مسلم هم همین را می رساند تجب الجمعة علی من کان منها علی راس الفرسخین منظور معلوم است این جا تجب دارد علی راس الفرسخین آن جا لا تجب دارد معلوم است منظور داخل دو فرسخ تجب علیه خارج از دو فرسخ لا تجب علیه فان زاد علی ذالک فلیس علیه شیء آقای خوئی استدلال می کنند این روایات دلیل بر این است که کسی که بیش از دو فرسخ فاصله دارد بر او واجب نیست معلوم می شود اصلاً نماز جمعه واجب تعیینی نیست چطور بر کسی که سر دو فرسخ است واجب نیست اگر واجب است باید نماز جمعه دیگری اقامه کند نه این که واجب نیست بر دو فرسخی معلوم می شود دو فرسخی هم واجب نیست اگر نماز جمعه واجب تعیینی بود کسی که فاصله دو فرسخ بیشتر است نباید به گوید لیس علیه شیء برای این که باید می گفتند علیه الشیء اقامه کند پس معلوم می شود واجب نیست

طلبه : چرا نمی شود؟ مثل مرأه که واجب نیست این هم واجب نیست؟
استاد: معلوم است بر همه واجب است معنی این عبارت می شود واجب نیست توی قم واجب پردیسان واجب نیست ما این جا اقامه کردیم او در شهر دیگر است واجب نیست آقای خوئی می گوید اگر نماز جمعه اقامه شد بر دو فرسخی واجب نیست معلوم می شود اصلاً نماز جمعه واجب نیست اگر در قم نماز جمعه بر قرار شد کسی که در اراک لازم نیست چون بیش از دو فرسخ است اگر این طور بود نماز جمعه قم دو فرسخ فاصله دارد

حضور در این جا واجب نیست و باید نماز جمعه دیگر اقامه کند باید به او می گفتند برو

نماز جمعه دیگری اقامه کن نه لیس علیه شیء

طلبه: بحث وجوب سعی است ؟

استاد: کو وجوب سعی؟ فلیس علیه شیء یعنی بر هیچ کس واجب نیست حتی در شهر

وقریه دیگری هستند واجب نیست این عبارت دارد علی من کان منها (منها یعنی آن

جمعه علی راس الفرسخین)

طلبه: یعنی آن جمعه در هر مکانی می تواند باشد وقتی در شعاع دو فرسخی نیست نباید

نماز جمعه باشد

استاد: خلاصه حرف آقای خوئی این است که یک نماز جمعه ای در یک جا اقامه شد دیگر

هیچ نماز جمعه ای هیچ کجا واجب نیست از این می فهمیم که نماز جمعه به وجوب تخییری

بود

طلبه: مسافر هم همین گونه است که مسافت دو رکعت را ساقط می کند و به بقیه شهرها

سرایت نمی کند

استاد: به مسافر دو رکعت از اول واجب شده بود بعد آمدند به کسی که حاضر است دو

رکعت اضافه کردند

عبارت آقای خوئی را به خوانیم و الوجه فی دلالتها علی عدم وجوب الجمعة تعیناً آن

حضور لها اذ لم یکن واجباً علی ناعی؟ بازید من فرسخین و بنینا علی ان صلاة الجمعة

واجبة تعیناً لوجبة اقامتها علی من کان بعيداً عنها بازید من فرسخین فی محله (هر کسی

از دو فرسخ دورتر بود باید نماز جمعه را در محل خودش اقامه کند) لان مفروضنا وجوبها

علی کل مکلف تعینا (این مفروض است) و امام الجماعة یوجد فی کل قرية من بلاد المسلمين (نمی شود گفت چون امام جماعت ندارند کسی که امامت کند بر آن ها واجب نیست همه جا امام جماعت پیدا می شود) اللهم ان یحمل الاخبار علی سکنة الجبال و من یعیش فی القلل علی سبیل الانفراد و هو من ندرة بمکان

مگر این که به گویم روایت می گوید بر همه واجب است مگر آن ها که سر قله های کوه زندگی می کنند و یرد علیه اولاً ایراد اول بر فرمایش آقای خوئی است این است ، صدر روایت صریح در وجوب است می گوید تجب الجمعة علی من کان منها علی راس الفرسخین روایت صحیح زارعه هم همین را دارد انما فرض الله عزوجل بعد می فرماید منها صلاة واحدة فرضه الله عزوجل فی جماعة ظهور در وجوب تعیینی دارد بعد از این وجوب تعیینی عده ای استثنا شده صغیر و اعمی و علی راس فرسخین .. این که گفته شد این من کان علی راس فرسخین واجب نیست منظور است کسی که شرایط را دارد کسی که راس فرسخین است حتی اگر شرایط داشته باشد درحالی که ظهور روایت آن است که کسی که شرایط اقامه در او محقق نیست شرایط جمعه یا عدد متوفر نیست یا امامشان بر آن ها متوفر نیست می فرمایند کسی که در فاصله بین دو فرسخ است شرایط هم نداشته باشد باید حاضر باشد لکن کسی که راس دو فرسخ است اگر شرایط متوفر نیست یا بیشتر خودش می تواند اقامه کند .

طلبه: اصل این است عناوین موضوعیت دارد با حرف شما از موضوعیت می افتند؟
استاد: یکی از شرایط وجوب تعیینی ، فاصله دو فرسخ باشد کسی که بیش از دو فرسخ است این شرط را دارا نیست چه وقتی دارا نیست؟ نسبت به این نماز جمعه دارا نیست

حالا اگر آن جا نماز جمعه دیگری بر پا شد که فاصله کمتر از دو فرسخ است حالا شرایط را دارا هست این عناوین مستثنی از وجوب است این عناوین هر جا بوده وجوب تعیینی برطرف شده کسی که بیشتر از دو فرسخ است اگر در کمتر از دو فرسخ نماز جمعه دیگری اقامه کرده عنوان دو فرسخ صدق نکرده پس این نظر ندارد به نفی وجوب تعیینی در همه جا ، علی راس فرسخین از محلی که اجتماع فیه شرایط جمعه تجب ، یعنی ادله دیگر هم همین را می گوید نماز جمعه واجب است به شرائطها ، وجب به شرائطها ، یکی از شرائط ، علی راس فرسخین باشد ، اگر نماز جمعه ای در جای دیگری اقامه شد که همه شرائط را داشت و فاصله هم کمتر از دو فرسخ بود باید آن جا حاضر باشد

طلبه: اگر وجوب تعیینی بود ایجاد شرایط لازم می شود روایت ندارد ایجاد شرایط لازم باشد ؟

استاد: دو مطلب را روایت می فهماند یک یجب یک لاتجب ،

۱- یجب می گوید بر همه هر وقت شرائط حاصل شد اگر ۵ نفر بودند مریض نبود در ۵ نفر بر همه واجب است اقامه کنند

۲- اگر کسی فاصله اش با این نماز جمعه واجد شرائط بیش از دو فرسخ بود لاتجب علیه مستثنی منه تجب بر همه مستثنی لاتجب علی من کان دو فرسخ

طلبه : متعلق یکی وجوب اقامه یکی وجوب حضور نمی تواند باشد؟ از کی استثنا شده؟

استاد: وجوب اقامه بر همه است بعد نتیجه این وجوب اقامه وجوب بر همه کسانی به

استثنای این عناوین است

طلبه: یعنی نباید برود نماز جمعه را با ایجاد شرایط اقامه کند؟

استاد: علی راس فرسخین دو جور است روایت می گوید علی راس فرسخین هر کی بود بر او حضور واجب نیست یک وقت کسی است که از این جمعه دو فرسخ فاصله دارد ولی می تواند خودش اقامه کند واجب می شود اگر شرائط ندارد لیس علیه الشیء طلبه: شما می گوید علی راس فرسخین یعنی این نماز جمعه پس مریض هم می تواند در خانه اقامه جمعه کند؟

استاد: عنوان مریض عنوان نسبی نیست در مفهوم مریض نسبت نهفته نیست بالاضافه و به قیاس مفهوم دیگری نیست

طلبه: می فرمایند خداوند واجب کرده نماز جمعه را بعد استثنا کرده دو فرسخ از چی؟ از آقای خوئی می پرسیم نماز جمعه بالفعل یا شرایط حضور اقامه آماده باشد کسی که پردیسان است نسبت به حرم ازید من فرسخین است ولی در پردیسان شرایط اقامه است لذا صدق نمی کند ازید من فرسخین چون جایی است که شرایط جمعه حاصل است استاد: پس شامل اش نمی شود جایی که شرایط نه باشد مفهوم علی راس فرسخین توی اش اضافه نهفته است باید مضاف شود

طلبه: هر جمعه ای که اقامه شود یا شرائط اقامه داشته باشد؟

استاد: منها صلاة واحدة فرضه الله فی جماعة، منها یعنی من جماعة میکنها اقامه جمعه یعنی بیش از دو فرسخ از امکان ،

کسی که در جایی است فرد نادر می شود قله ها می شود ، استثنا فردش فرد نادر می شود . فرد نادر استثنا لازم ندارد

استاد: جناب خوئی اگر زمان مرجعیت همت می کردند و امام جماعت برای شهرها معین می کردند معلوم می شد شهرها خالی از امام جماعت بودند فضلاً امام جمعه نشسته توی نجف شهرهای ۵۰ هزار نفر امام جماعت نداشت آقای خوئی می گوید مگر می شود ، اغلب قری اغلب مدن دور از شهرهای مرکزی یا شهرهای پر جمعیت خالی بود از کسی که دارای شرایط جماعت یا جمعه باشد

طلبه : عادل پیدا می شد

استاد: عادل پیدا نمی شد عادل که احراز عدالت شود قرائت صحیح داشته باشد خطبه این نیست بسم الله اتقوا الله و السلام
طلبه : اقل واجب همین است

استاد: اقل واجب این نیست کدام خطبه این طوری است یجب امر بالتقوی یعنی این
طلبه : اقل چیست؟

استاد: اقل مقصود از واجب حاصل شود غرض حاصل شود امر به تقوا حاصل نمی شود که امام خطبه پشت تریبون اتقوا الله ... عربی به گوید فارس ها نه فهمند . خطیب باشد خطیب با متکلم فرق می کند ، آقای خوئی در بحث بعدی خطیب با متکلم یکی گرفته ، خطیب من یبلغ معنی را فی نفس مخاطب به ابلاغ است خطیب بلیغ باشد به تواند مطلب را به عمق جان مخاطب برساند

طلبه: شما استثنای نادر را اشکال می دانید یا نه؟

استاد: مامی گوئیم نادر نیست کسی که علی راس فرسخین باشد و شرائط جمعه نباشد فراوان است نه نادر ، منحصر به قله کوه نیست در خود ایران هشتاد درصد روستا بود که

از همین هشتاد درصد روستا بود که ۷۰ درصد لم یکن فیه من یخطب فیه آدمی که شرائط
امامت جمعه در آن نبود
یک آدم باسواد پیدا نمی شد

تالار انجمن‌های گفتگوی تخصصی دروس حوزه‌های علمیّه

http://\zokr.com

Copyright © \Zokr.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است